

نقدی به اوضاع ایران

و

گذر از بحران مژمن

آجی داور

نقدی به اوضاع ایران و گذر از بحران مزمن

نقدی به اوضاع ایران
و
گذر از بحران مزمن

انتشارات داور

DavarPress www.davarpress.com

تیر ماه ۱۳۹۸ شمسی ▲ ژوئن ۲۰۱۹ میلادی

مؤلف: آجی داور

عنوان: نقدی به اوضاع ایران و گذر از بحران مزمن

ناشر: آجی داور / انتشارات داور ۱۳۹۸

www.davarpress.com

۵۰ صفحه، شامل عنوان، و فهرست مطالب

ISBN: 978-0-9863914-2-2

حق چاپ محفوظ

Copyright © 2019 by Aleji Davar. All rights reserved. Printed in the United States of America. Except as permitted under the United States Copy Right Act of 1976, no part of this publication may be reproduced or distributed in any form or by any means, or stored in a data base or retrieval system, without the prior written permission of the publisher.

ISBN: 978-0-9863914-2-2

Publisher cataloging in publication data

Publisher: Davar, Aleji -- www.davarpress.com

Title: نقدی به اوضاع ایران و گذر از بحران مزمن

“A CRITIQUE OF THE SITUATIONS IN IRAN AND THE WAY OUT OF CHRONIC CRISES”

50 pages, including title and table of contents.

A brief review of social, political, and economic conditions in Iran since the Revolution of 1979, and a call for Iranian peoples' action to rectify the situation and establish a new order with decentralized government. The book proposes the creation of eleven republics within the Iranian peninsula, with a total area of 1,648,195 sq km (636,372 sq mi) and current population of over 80 million. It also offers fundamental principles for their future constitution and suggests a commonwealth politico-economic unit as the IRANIAN UNION.

ISBN: 978-0-9863914-2-2

Iran – Politics and Government

Author: Davar, Aleji

www.davarpress.com

فهرست مطالب

۷ مقدمه
۱۲ گذر از بحران مزمن
۲۱ برقراری نظم جدید
۳۱ مبانی قانون اساسی جدید
۴۹ پرچم جدید

(این صفحه مخصوصاً خالی گذاشته شده است)

مقدمه

انقلاب ۱۳۵۷ ایران بیش از آنچه که محرک داخلی داشته باشد، متأثر از شرایط جهانی در آن زمان بود، و قبل از اینکه شرایط داخلی در کشور آماده گردد، بطور شتاب زده بوقوع پیوست. این سخن از قلم کسی است که خود شاهد انقلاب ایران بود. انقلاب ایران هر چند که ظاهری حرکت به جلو داشت ولی بزودی ماهیت اصلی خود را نشان داد و چون مردم بطور متشکل و فعال در پشت انقلاب نبودند، دیگر نتوانستند آنرا به مسیر مورد انتظار خود سوق دهند. جزئیات لازم در یک کتاب به زبان فارسی^۱ و در کتاب دیگر به زبان انگلیسی^۲ به قلم مؤلف آمده، و تاریخ سیاسی ایران بطور جامع و مستقل فراهم گردیده است. برای عنوان کتابها به پاورقی رجوع شود.

توجه خواننده به این نکته جلب میشود که بحران ایران از نیمه دوم قرن بیستم تا زمان این نوشته،

^۱ آینه شفاء ایران، سرگذشت سه هزار ساله و راه آینده،
آلجی داور، ۱۳۹۳ شمسی.

^۲ IRANIAN UNION, Future Direction, Aleji Davar, 2017.

منطبق با دوران تحصیلات و حضور حرفه ای مؤلف در داخل و خارج از ایران بود. بنابراین، چگونگی شکل گیری انقلاب ایران، و انجام و سرانجام آن که در این نوشته و کتابهای یاد شده فوق منعکس شده است مبنای عینی دارد- گویند که شنیدن کی بود مانند دیدن.

با اطمینان میتوان گفت که در طول تاریخ و مخصوصاً در ماجرای ۱۳۵۷ شمسی آنچه که باعث غفلت ایرانیان بوده و بود، و شاید هنوز هم هست، ندانستن تاریخ حقیقی خود و همچنین ندانستن تاریخ حقیقی دین حاکم بر خود میباشد. بنابراین، به خوانندگان قویاً توصیه میشود که با تواسع به کتابهای یاد شده فوق مراجعه نمایند. رودکی بلخی شاعر قرن دهم میلادی بخوبی گفته:

هرکه نامخت از گذشت روزگار
نیز ناموزد ز هیچ آموزگار

ایرانیان به یک ایدئولوژی برتر از آنچه که دیده اند و میشناسند نیاز دارند، و این کتاب در همین رابطه است، تا بتوانند به ضعفهای خود پی ببرند و به مغالطاتی که به آنها چیره شده است پیروز گردند.

نقدی به اوضاع ایران

اندیشه حاکم کنونی بر ایران بر مبنای دروغ و ترس و حيله، و فقر و غارت است. ولی اندیشه نهفته در این کتاب که چشیده آن در قالب نوع حکومت بیان گردیده، بر مبنای حقایق و تجارب تاریخی، و اصول علمی و استدلال منطقی است.

تشابهات حیرت انگیزی از چگونگی غلبه عباسیون به خلفای اموی در اواسط قرن هشتم میلادی، و قدرت رسیدن اسلامیون بیش از دوازده قرن بعد در انقلاب ۱۳۵۷ ایران در قرن بیستم میلادی وجود دارد. اینها تقریباً با همان ترفندی که عباسیون به امویان پیروز گشتند و آنها را قتل عام نمودند و قبورشان را ویران کردند، و ایران را نیز به کمک عواملی از خود ایرانیان به چنگ آوردند، در عصر کنونی همان وقایع را تکرار نمودند - باز حیرت انگیز است که از عامل ارشاد و حمایت بیگانه بدلیل رقابت میان قدرتهای جهانی نیز برخوردار بودند.

تشکیل گارد مخصوص تحت عنوان "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" نیز تقلیدی از گارد مخصوص خلفای عباسی در زمان خلیفه مأمون، وسیله برادر او معتصم، بود که پس از فوت مأمون

به خلافت رسید و عده آنرا به هفتاد هزار نفر رسانید (این رقم با توجه به کل جمعیت دنیا در آن زمان که حدود پنج در صد جمعیت فعلی تخمین زده شده است، رقم سرسام آور است). در هر صورت، این دفعه ترکان شرق و مغول نیستند که نهایتاً خلفا و عوامل آن را سرکوب کنند و ایران را نیز برهاند، و چند قرن بعد از آن طوایف پشتیبان صفویه ایران را بعد از هشت قرن به سطحی معادل عهد ساسانیان در دوران قبل از ظهور امپراطوری اسلامی برسانند. بلکه این بار تاریخ این وظیفه را بعهده خود ایرانیان گذاشته است.

همانطوریکه فوقاً اشاره شد، ایرانیان در سال ۱۳۵۷ شمسی در طوفان انقلاب قرار گرفتند ولی آماده انقلاب نبودند. لیکن اکنون آمادگی آن را نشان میدهند، و نشان بارز آن اینست که ضمن ابراز خشم به رژیم غاصب، از هر جنبشی کور کورانه تبعیت نمیکند. بلکه بدنبال یک طرح پیشرفته و مقبول هستند که برای همیشه مدنیت را در جامعه خود برقرار کنند و مسجد و منبر را از دخالت در امور کشوری بطور کامل کنار بگذارند. بعبارت دیگر، آنها صبورانه صبر میکنند و در

نقدی به اوضاع ایران

انتظارند. در اینجا شعری از صائب تبریزی،
شاعر قرن هفدهم میلادی بی مناسبت نیست:

گوهر خود را مزن بر سنگ هر ناقابلی
صبر کن پیدا شود گوهر شناس قابلی
بذر را در شوره زاری کاشتن بی حاصل است
صبر کن تا یک زمین قابلی پیدا شود

با این مقدمه فشرده، برویم به بخش عملی مطلب.

گذر از بحران مزمن

تردید نیست که ایرانیان به آنچه که حکومت دیکتاتوری مذهبی تحت عنوان "جمهوری اسلامی" در طول چهل سال گذشته به ایران ارمغان آورد، شدیداً معترض هستند. معدودی که از این غارت متمتع شدند حسابشان جدا است. این اعتراض به طرق مختلف همواره مشهود بوده و رفته رفته شدت یافته است. لیکن مردمان ایران بدرستی برای بار دوم از یک انقلاب کور پشتیبانی نمیکنند و نخواهند کرد. آنچه که مسلم است ایران به عقب بر نخواهد گشت؛ زیرا که ضعفها و شرایط گذشته بود که این بلا را بر سر ایران و ایرانیان آورد. بعلاوه، ایران به دور یک دایره نیز نخواهد چرخید؛ بدین معنی که حکومت دیکتاتوری خرافات گرا و یا منقلب فعلی را با یک حکومت دیکتاتوری با رنگی دیگر عوض نخواهد نمود؛ زیرا که تغییرات سطحی مشکل اساسی را نمیتواند از میان بردارد. بنابراین، تنها راه آزادی ایران و ایرانیان یک حرکت پیشرو است که یک طرح عملی و برنامه منطقی داشته باشد.

نقدی به اوضاع ایران

برای تحقق چنین هدف تاریخی که در حقیقت مترادف با رنسانس اروپا خواهد بود، و تولدی دیگر برای ایران بشمار خواهد رفت، ایرانیان باید ابتدا ضعفهای اجتماعی خود را تشخیص دهند و آماده دوری از خطاهای گذشته و احترام به حقوق اجتماعی یکدیگر در کلیه زمینه ها باشند. این اولین لازمه برقراری آزادی و اتحاد حقیقی بین ایرانیان است. در این راستا حاکمیت فعلی هم میتواند سهم بزرگی داشته باشد؛ اگر میخواهد نقش مثبت در تاریخ ایران و ایرانیان از خود به یادگار بگذارد - آنها اینست که بطور صلح آمیز حقیقت را قبول کند، به نفسانیات خود غلبه نماید، در مقابل مردم سر تعظیم فرود آورد، و از مصدر قدرت که در آن به ثروت و سلاح کشور دست یافته و از آن سوء استفاده میکند، کناره گیری نماید.

در طول قرن بیستم ایران تقریباً در تهران خلاصه شد، و تمام تصمیمات و حتی انقلاب مشروطیت در ۱۲۸۴ شمسی (۱۹۰۶ میلادی) و انقلاب اخیر در ۱۳۵۷ شمسی (۱۹۷۹ میلادی) عاری از هر اسمی که به آن گذاشته شد، با مشاطگی بیگانه در تهران اتفاق افتاد. این روند که تهران برای تمام ایران تصمیم بگیرد، باید بکلی کنار گذاشته شود.

سهم غلط انداز تهران در صحنه سیاسی ایران تا حدود زیادی بسبب اشتباه در اصل چهل و پنجم قانون اساسی مشروطیت شروع شد که در آن، تهران را با جمعیتی حدود دویست هزار نفر در آنوقت، معادل تمام ممالک محروسه (در حقیقت متحد) ایران قرار داد که علاوه بر اثرات سوء سیاسی، آنرا به یک شهر بی سر و ته پانزده میلیونی امروز تبدیل نمود که مردم برای نفس کشیدن باید ماسک یا فیلتر به دماغ خود بزنند، و در آپارتمانهای انباشته شده بر پشت یکدیگر زندگی عمودی و عمومی داشته باشند، محتاج نیازمندیهای روز مره شوند، و غالباً "شش شان در گرو بئش شان" باشد. بدین معنی که قانون اساسی مشروطه نصف نمایندگان مجلس سنای شصت نفری را، به تهران و نصف دیگر را به ممالک محروسه ایران اختصاص داد. هر چند که تشکیل مجلس سنا چند دهه بعد بوقوع پیوست، ولی تأثیر مادی و روانی خود را در ایران گذاشته بود و ایرانیها بطور خودآگاه یا ناخودآگاه اعتقاد یافته بودند که "ایران یعنی تهران".

بعلاوه، ایران در حقیقت مرکب از ملل مختلف با سرزمینهای مشخص تاریخی است که عمده ترین آنها شامل پارس/فارس، ترک/آذربایجانی، کرد، لر، بلوچ، عرب و ترکمن میباشد. ملیتهای دیگر از جمله ارمنی، یهودی، آسوری، تالیش، تات، سرکیسی و دیگران نیز با نسبت کمتری وجود دارند که در نقاط مختلف هستند، و با تنوع زبان و فرهنگ، لطف خاصی به جامعه ایرانی خود داده اند. اینکه ملل این سرزمینهای مختلف، با فرهنگ و زبان متفاوت، سرنوشت خود را به دست عده ای خودکامه ریا کار و فاسد بسپارند، شایسته نیست و باید بطور منطقی و قابل اجرا تغییر یابد.

تا زمان اوایل قرن بیستم تراکم جمعیت در دنیا و مخصوصاً در ایران خیلی کمتر بود. کل جمعیت ایران حدود ده میلیون بود که کمتر از ۱۵ درصد در شهرها، حدود ۵۵ درصد در روستاها، و حدود ۳۰ درصد عشایر^۲ بودند. بنابراین،

^۲ عشایر اصیل ایران، هماهنگ با طبیعت، فصول سرد را در قشلاقهای خود در مناطق کم ارتفاع، و تابستان را در بیلاقهای خود در ارتفاعات کوهها، دامداری میکردند. ایران کشوری کشاورزی و دامداری بود و عشایر بدلیل نظم و تشکل طبیعی و توان، نقش مهمی در امور کشوری و تولیدات داشت. ولی از اواسط قرن بیستم ببعده، بدلیل مشخص، شدیداً رو به انقراض گذاشت.

حکومت‌های مرکزی دخالت چندانی در زندگی ملل مختلف در محدودهٔ جغرافیائی بنام ایران را نداشتند، و اتحاد این ملل یکنوع اتحاد نظامی در مقابل تجاوز گران و دیگر امپراطوری‌ها بود. در حقیقت آنها در یک مجموعه باهمدیگر تشریک مساعی داشتند. بعلاوه، حکومت‌های مرکزی مستقل از مردم نیز نمیتوانستند باشند. زیرا که چه از نقطه نظر مالی و چه از نقطه نظر نظامی نیازمند مردم بودند. لیکن از اوایل قرن بیستم این وضعیت با گسترش صنایع و تکنولوژی وارداتی، تغییر فاحش یافت. مخصوصاً پدیدهٔ نفت در ایران در عین اینکه نعمت بزرگی بود، موجب استقلال مالی حکومت و مایهٔ خیلی از گمراهی‌ها و فساد گردید؛ و شرایطی به بار آورد که در گذشته امکان آن نبود. گمراهی و گستاخی حاکمیت در دوران حکومت اسلامی بقدری فجیع بوده که در این فضا نمیگنجد.

اکنون شرایط اجتماعی چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی تغییر فاحش یافته است. بطوریکه جمعیت ایران در طول یک قرن نزدیک به ده برابر افزایش یافته و از ده میلیون به بیش از

نقدی به اوضاع ایران

هشتاد میلیون رسیده است. بعلاوه، برخلاف گذشته که هشتاد و پنج در صد از آن جمعیت در کار تولیدات کشاورزی و دامداری بودند، بیش از هفتاد در صد از جمعیت کنونی در شهرها متمرکز شده و عمدتاً مصرف کننده گشته اند. غالباً محیط زیستشان نیز از استاندارد متناسب با عصر کنونی برخوردار نیست. بعلاوه، بناچار بطور مستقیم و غیر مستقیم محتاج خدمات و اعانه یک حکومت غاصب و متکی به درآمد نفت از منابع متصرفه خودشان نیز گشته اند. بی تردید یک چنین ساختار ناپایدار است و نمیتواند دوام داشته باشد.

مدیرت ممالک همجوار در داخل جلگه ی ایران از مرکزی بنام تهران خیلی وقت است که بیهودگی خود را به ثبوت رسانده و منتظر اتحاد ملل ایران با زبانهای مختلف است که نظم جدید در میان خود برقرار کنند و با حفظ اتحاد تاریخی خود، هر کدام مدیریت جمهور خود را راساً به دست بگیرند. در مقابل این نظریه هستند کسانی که دم از "یکپارچگی" و یا "تمامیت ارضی" میزنند. اینها توجه ندارند که یکپارچگی ایران، بشرحی که فوقاً ذکر شد، به مفهوم کولونیالیزم و اسیر ماندن همه بدست عده ای خود کامه از مرکز است. در

شرایط کنونی از ایران نیز جز نام چیزی باقی نمانده است و مردمان آن چنان تحقیر شده اند که با استدلالهای مسخره حتی در زندگی خصوصی شان دخالت میشود و در حد مشمئز کننده مورد اهانت و تنبیه بدنی قرار میگیرند! کدام ملل با تاریخ تمدن طولانی هست که در عصر کنونی به یک حکومت مزخرف اجازه چنین گستاخی را بدهد؟ اگر وضع چنین بماند آن نام *ایران* هم عوض خواهد شد. بعلاوه، مگر ملل ایرانی میخواهند هویت یکدیگر را نفی کنند و یکدیگر را در حالت عقب مانده کولونیالیستی نگهدارند، و مثل گروه های رعیت تحت فرمان فقها بر وزن خلفا، که حقیقتاً بسبب یک تصادف یا اشتباه تاریخی به قدرت رسیدند، در زیر یوغ حکومت دیکتاتوری مذهبی گرفتار کنند؟ حتی بعضی سطحی نگر و یا کسانی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم از امتیازات مادی خاصی برخوردار بوده و یا هستند، تصور میکنند که ایران ده پدرشان بوده و ملل مختلف ایران "اقوام" هستند. این هم از آن جهالت‌هایی است که ایران را به روزگار فعلی گرفتار نموده است. بعضی از اینها حتی گله میکنند که چرا ممالک قفقاز در حدود دو قرن پیش به حیطة روسیه تزاری افتاد - بماند که

نقدی به اوضاع ایران

در حقیقت عدو سبب خیرشان گردیده و در نهایت استقلال کامل یافته اند. کسی هم در میان پیروان این مکتب فکری نیست تا به این حضرات بگوید که حالا برو از ممالک قفقاز بخواه که بیایند به ایران بییوندند و ببین چه جوابت میدهند.

حقیقت اینست که ایرانیان در طول تاریخ نتوانسته اند حقوق همدیگر را بدرستی رعایت کنند و در مقاطعی از تاریخ، دیگران آمده اند و برایشان قاضی شده اند. ورود شمشیر زنان و باج خواران تازه-دین-اسلام در قرن هفتم میلادی به ایران به همین دلیل بود، و دوام حکومت دیکتاتوری مذهبی-اسلامی فعلی هم از این مقوله بی نصیب نیست. برای رهایی از شر حاکمیت دیکتاتوری مذهبی-اسلامی در ایران، لازم است ایرانیان از خود انتقاد کنند، و آزادی خود و دیگران را فدای نفسانیات و ندانم کاریها ننمایند.

در عهد باستان، ایران و یونان مبتکر حکومتهای پیشرفته نسبت به زمان خود بودند که تدریجاً به نقاط مختلف دنیا گسترش یافت. بنابراین آنچه که به اختصار فوقاً بیان گردید، بسبب بحران بی پایان اجتماعی-سیاسی-اقتصادی که در طول چهار دهه

گذشته گریبانگیر ایرانیان شده، و همچنین بدلیل تخریب منابع انسانی و آب و خاک و محیط زیست، و ناتوانی حاکمیت در مدیریت صحیح امور داخلی و امور بین المللی کشور؛ ملل ایران بیش از هر زمان دیگر در طول تاریخ، نیاز دارند که با تعقل و بطور صلح آمیز، یک تغییر اساسی در وضع ایجاد کنند که آزادی و آسایش، و صلح و آرامش را در کلیه سرزمینهای ایرانی، بطور پایدار تضمین کند، و خود ایرانیان را، بدون ادعاهای بیهوده و انگیزه های غیر معقول، و بدون نیاز به بحران سازی، حاکم بر سرنوشت خود سازد. با این سخن، نظم جدید ایران در بخش بعدی آمده است.

برقراری نظم جدید

زمان آن فر رسیده است که ملل مختلف ایران سرنوشت خود را رأساً بدست گیرند و به بازی های سران دیکتاتوری مذهبی-اسلامی، که در حقیقت به اشتباه و به غلط در ۱۳۵۷ شمسی حکومت بدست آنها سپرده شد، پایان دهند. اجرای چنین طرح به اختلافات ساختگی در سطح بین المللی پایان خواهد داد، از ولخرجی ثروت ملی برای اهداف غلط جلوگیری خواهد کرد، و آزادی و استقلال و همچنین برخورداری از مواهب زندگی و نظم صحیح اجتماعی برای ایرانیان را میسر خواهد نمود. تجربه نشان داده و اصول صحیح مدیریت نیز حکم میکند که بیش از این به تمرکز قدرت و کج روی از تهران اجازه داده نشود. در اشل کوچکتر که برای همه نیز به آسانی قابل درک و لمس میتواند باشد، یک خانواده را میتوان مثال زد که در مرحله خاصی از حیات خود، همه زندگی مستقل تشکیل میدهند تا از یک طرف حرمت میانشان محفوظ بماند و از طرف دیگر منطق چنین حکم میکند که منطبق با علوم فیزیکی و انسانی است.

تحت شرایط کنونی ایران در معرض سه خطر بزرگ قرار گرفته که هر سه میتواند به زوال فاجعه بار فرهنگ و مدنیت ایران منجر شود. یکی خطر تداوم دیکتاتوری مذهبی-اسلامی حاکم بر ایران است که ایران را گرفتار باج دهی به بیگانگان بمنظور یارگیری و برای بقای حکومت خود نموده، و به هر قیمتی که شده میخواهد در مصدر قدرت بماند و یک حکومت شبه خلفای عباسی را مجدداً در ایران تثبیت نماید. تداوم این وضع ایران را از محتوی مدنی خود خالی خواهد نمود و ملل ایران را به موالی (بندگان) با عناوینی جدیدتری از قبیل مستضعف و امت به رعیت تبدیل کرده و خواهد نمود. خطر دوم از بین رفتن قانون مدنی است که ایرانیان را از کشور خود بیزار نموده و آنها را وادار به مهاجرت مینماید - این روند بتدریج کشور را از نیروی انسانی خلاق و پیشگام خود محروم خواهد نمود و نسلی ضعیف و رعیت گونه و سرکوب شده باقی خواهد گذاشت. خطر سوم خصومت بین المللی است که بدلیل بازیچه شدن حکومت مذهبی-اسلامی در رقابت میان قدرتهای جهانی، و ایجاد تنش در منطقه، و همچنین خیال امپراطور گونه ای است که ایرانیان

نقدی به اوضاع ایران

نه توان آن را دارد و نه بدنبال چنان هدف پوچی هستند که در نهایت به جنگ و ویرانی ایران می انجامد. هرکدام از این سه خطر به تنهایی در نهایت ایران را به تهی شدن از منابع انسانی و طبیعی و انقراض کامل خواهد کشاند، مگر اینکه ایرانیان با طرح و برنامه صحیح وارد عمل شوند. این خطر انقراض ایران، حداقل در محتوی و نه در قالب، نباید موجب حیرت شود زیرا که ملل بعضی سرزمینهایی حتی گسترده تر از ایران در طول تاریخ محو شده اند.

جلگه ایران با وسعت ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع تقریباً معادل یک سوم کل ممالک اتحادیه اروپا است. اتحادیه اروپا دارای ۲۸ کشور عضو میباشد که عمدتاً مثل ایرانیان زبان و فرهنگ متفاوت دارند. هرکدام از این دو بطور نسبی از مواهب و منابع طبیعی متفاوت برخوردار هستند. آنچه که موجب تفاوت فاحش در میان آنها گشته است کاربرد علم و فلسفه در یکی، و غلبه ترس و خرافات در دیگری است.

بنابراین، از هر سو که بنگری، برای حفظ ایران و برقراری آزادی، لازم است تغییر اساسی در وضع

ایجاد شود، و لازمه این امر مهم، حذف حکومت دیکتاتوری-مذهبی از مرکز و تشکیل یازده جمهوری مستقل و متحد تحت لوای اتحادیه ایران است که در زیر آمده است. در نگاه اول ممکن است برای عده ای موضوع اشتراک در صنایع بزرگ و منابع زیرزمینی، مخصوصاً نفت، نگرانی پیش بیاورد. همانطوریکه در بخش بعد آمده است، اولاً صنایع بزرگ و منابع زیر زمینی بصورت شرکتهای سهامی بین جمهوریهای باقی خواهد ماند. دوماً سفره های نفت بیش از یکصد سال است که دارد بهره برداری میشود که بی تردید به پایان خود نزدیک گشته است. بطوریکه در بعضی نقاط که چاههای نفت ایران در گذشته بدون نیاز به پمپاژ به سطح زمین جریان می یافت، حجمش چنان تقلیل یافته که در پاره ای نقاط برای استخراج گاز و مواد نفتی آب به اعماق زمین پمپاژ مینمایند تا آخرین شیره آن را بکنند - آنها با واگذاری آن منابع به کمپانی های خارجی، و به امید جیره خوری از تولیدات آتی آنها. اینها همه شواهدی هستند که از یک طرف نزدیکی پایان بهره دهی اقتصادی سفره های نفتی را نشان میدهد، و از طرف دیگر، ناتوانی حکومت مرکزی

نقدی به اوضاع ایران

و عدم صلاحیت آن برای اداره امور کشور را به نمایش میگذارد. در حقیقت تخمینهای اولیه در قرن بیستم این بود که با پایان قرن بیستم سفره های نفتی نیز ته خواهد کشید. هر چند که بهره برداری از سفره های نفتی ایران هنوز ادامه دارد، ولو از اعماق بیشتر، لیکن این پیش بینی مبنای منطقی دارد و با کمی کاست و فزود به وقوع خواهد پیوست. یازده جمهوری^۴ که مدیریت امور خود را رسماً بعهدہ خواهند گرفت، بر مبنای سوابق تائیدی، و به ترتیب حروف الفبا، به این قرار است:

جمهوری آذربایجان جنوبی:

(تبریز - ارومیه - اردبیل، و شهرستانها.....)

جمهوری اکباتان:

(همدان - قزوین - زنجان، و شهرستانها.....)

جمهوری ایلام:

(خرم آباد - اهواز، و شهرستانها.....)

^۴ آینه شفاء ایران، سرگذشت سه هزار ساله و راه آینده، آجی داور، ۱۳۹۳ شمسی.

و گذر از بحران مزمن

جمهوری بلوچستان:

(زابل - زاهدان، و شهرستانها.....)

جمهوری پارسا:

(شیراز - بوشهر، و شهرستانها.....)

جمهوری خراسان:

(مشهد - گنبد قابوس - گرگان، و شهرستانها.....)

جمهوری خزر:

(گیلان و مازندران، و شهرستانها.....)

جمهوری ری:

(ری - تهران - کرج، و شهرستانها.....)

جمهوری سپاهان:

(اصفهان - یزد - کاشان - قم، و شهرستانها.....)

جمهوری کردستان:

(سنندج - کرمانشاه، و شهرستانها.....)

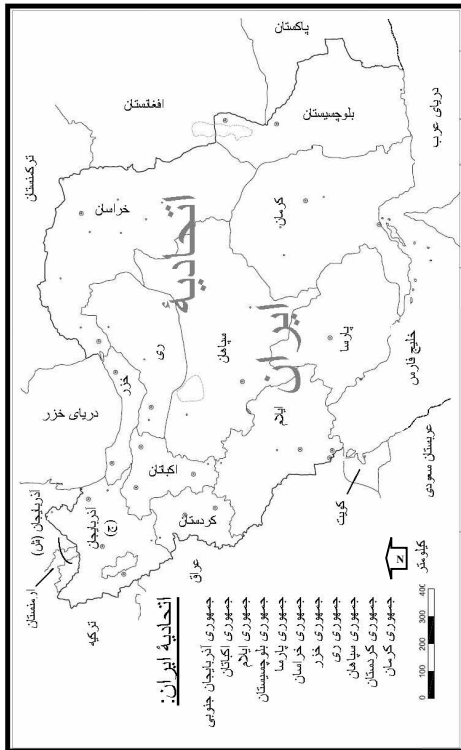
جمهوری کرمان:

(کرمان - جیرفت - بندرعباس، و شهرستانها.....)

نقدی به اوضاع ایران

حدود مرزی جمهوریها^۵ در شکل (۱) پیشنهاد شده است.

^۵ آینه شفاء ایران، سرگذشت سه هزار ساله و راه آینده،
آلجی داور، ۱۳۹۳ شمسی.



شکل (۱): حدود مرزی پیشنهادی بین جمهوریهای اتحادیه ایران

نقدی به اوضاع ایران

بدیهی است که هیچ کار مهم بدون طرح و برنامه نمیتواند به نتیجه مطلوب برسد، و ایرانیان نیز تنها با فریاد زدن نمیتوانند رژیم غاصب فعلی را ساقط کنند. اگر هم بتوانند تکرار ماجرای سال ۱۳۵۷ میتوانند باشند. در آن ماجرا هم، فریاد زدنها و تظاهرات چند صد هزار نفری به تنهایی نبود که موجب سقوط رژیم قبلی گردید.

با این سخن، ایرانیان ابتدا باید منافع و خواستههای ناممکن جناحی را کنار بگذارند. بطور مطلق از خیال باطل و غیر ممکن بازگشت به گذشته، و یا تغییرات سطحی با حفظ ذات دیکتاتوری-مذهبی حکومت فعلی، و یا تغییر رنگ روسری، و یا دم زدن از تئوریهای مردود و منسوخ طبقه بندی جوامع و شعار دیکتاتوری یکی بر دیگری، دست بردارند - چه عقل سالمی هست که بخواهد یک رژیم دیکتاتوری را بردارد و جای آن رژیم دیکتاتوری دیگر بگذارد، خواه از نوع مذهبی باشد و یا از نوع نظامی و یا از نوع پرولتاریائی؟ پیروزی ایرانیان به رژیم فاسد کنونی مستلزم یک

حرکت جمعی بر مبنای اصول ارائه شده در این نوشته است که کاملتر از همه میباید و نظیر آن در هیچ مکان و هیچ زمان نبوده و نیست. در این راستا و در سالهای اخیر جهان آزاد نقش خود را در حمایت از مردمان ایران بخوبی نشان داده و قدمهای مؤثر برداشته است. بقیه مربوط به خود ایرانیان است که بتوانند بطور متشکل و آگاهانه وارد عمل شوند و رژیم کنونی را که در حقیقت یک انقلاب نیمسوز را در سال ۱۳۵۷ شمسی (۱۹۷۹ میلادی) به بیراهه کشاند و زحمات هفتاد ساله چند نسل از ایرانیان را، از انقلاب مشروطیت تا به آن زمان، به باد داد، فلج و ناچار به کناره گیری کنند، و با تشکیل جمهوریهای مستقل به مشکلات سیاسی-اقتصادی-اجتماعی، در داخل و همچنین در سطح بین المللی، پایان دهند. مبنای قوانین مدنی جمهوریها در بخش بعدی آمده است.

مبانی قانون اساسی جدید

قانون اساسی هر جمهوری حول محور چهل اصل^۶ کلی زیر تهیه و اجرا خواهد شد. بدیهی است که در نهایت نمایندگان منتخب هر جمهوری قانون اساسی کشور خود را تدوین خواهند نمود، ولی رعایت این اصول الزامی خواهد بود تا طفره رفتن از مقررات پیشرفته جهانی میسر نباشد.

اصل یکم: هر کدام از جمهوری ها دولت منتخب خود را خواهند داشت که بطور آزاد و با مطالعه و مقدمات لازم و کافی تشکیل خواهد شد که جزئیات آن در قانون اساسی خواهد آمد. زبان رسمی و اداری هر جمهوری زبان اکثریت مردم آن خواهد بود، و زبان فارسی بعنوان زبان دوم، برای ارتباط بین جمهوریها استفاده خواهد شد، و تدریس آن بعنوان زبان دوم در جمهوریهای غیر فارس، از دوره دوم دبیرستان شروع خواهد شد. هر

^۶ آینه شفاء ایران، سرگنشت سه هزار ساله و راه آینده، آلی داور، ۱۳۹۳ شمسی.

جمهوری دارای یک مجلس شورای ملی و یک مجلس سنا خواهد بود. انتخابات مجلسین، رئیس جمهور، فرمانداران، شهرداران، ریاست پلیس، و همچنین کلیات مربوط به وزارتخانه ها و سایر ادارات در قانون اساسی مشخص خواهد شد. هر جمهوری قوانین مدنی و جزائی مخصوص خود را تدوین خواهد کرد که در آن عدالت، آزادی و مسئولیت مطمح نظر خواهد بود.

اصل دوم: مجلسین هر جمهوری، یک نماینده جمهور برای شرکت در شورای اتحادیه ایران انتخاب خواهد کرد. بدین ترتیب شورای اتحادیه ایران دارای یازده عضو خواهد بود، که هر کدام با مشاورت جمهوری متبوع، و در هماهنگی با دیگر اعضاء شورا، در حل و فصل امور مشترک بین جمهوری ها کار خواهد کرد. بودجه این شورا بطور مساوی از طرف جمهوریها تأمین خواهد شد. پول تمام جمهوری ها یک نوع خواهد بود، و تولید آن تحت کنترل شورای اتحادیه ایران خواهد

نقدی به اوضاع ایران

بود. واحد پول و ارزش برابری آن با ارزهای خارجی را نمایندگان این شورا با مشاوره جمهوری متبوعه تعیین خواهند کرد.

اصل سوم: نمایندگی اتحادیه ایران در سازمان ملل متحد بطور دوره ای برای مدت سه سال، به نوبت، از طریق نمایندگان مجلسین یکی از جمهوری ها تعیین خواهد شد.

اصل چهارم: در ارتباط با انتقال اختیارات به جمهوریها، کارکنان صادق و لایق تمام سازمانها و ادارات، که شامل اکثریت قریب به اتفاق آنها میشود، به کار خود ادامه خواهند داد و در تشکیلات جدید جمهوری ها جای خود را خواهند گرفت. برخلاف دیگر تحولات اجتماعی خشونت بار و خونین، از تصفیه حسابهای کوتاه بینانه اکیداً جلوگیری خواهد شد، و اگر مواردی مطرح گردد، در درجه اول گذشت و آموزش پیشه خواهد شد.

اصل پنجم: هر جمهوری ارتش خود را خواهد داشت، و برنامه های هماهنگی و تمرینات دفاعی

مشترک بین جمهوریها بعمل خواهد آمد. در ابتدای تشکیل جمهوریها، تجهیزات و نفرات موجود در ارتش، سپاه پاسداران، و دیگر نیروهای انتظامی، به نسبت مساوی و با ملاحظات لازم، بین جمهوریها توزیع خواهد شد.

اصل ششم: نیروهای نظامی هر جمهوری مرکب از افراد کادر خواهد بود، و تقسیمات آن شامل (۱) اردو (ارتش و سپاه) مرکب از نیروهای زمینی، هوایی، دریایی؛ (۲) ژاندارمری (مرزبانی و مناطق روستائی)؛ (۳) پلیس (شهری و راه) خواهد بود.

اصل هفتم: خدمت نظام وظیفه در تمام جمهوریها لغو خواهد شد. لیکن افراد ذخیره بشرح اصل هشتم که در زیر آمده، آموزش خواهند دید، و داشتن سلاحهای حد اکثر سه تیر و غیر مسلسل (غیر اتوماتیک)، برای افراد بدون سوء سابقه، و دارای گواهی ایمنی تفنگ، که جزئیات آن را قانون مشخص خواهد کرد، مجاز خواهد بود.

نقدی به اوضاع ایران

اصل هشتم: هر جمهوری برنامه ای برای آموزش نظامی افراد ذخیره، یعنی شهروندان بین سنین بیست الی چهل سال، برگزار خواهد کرد که جزئیات آن را قانون مشخص خواهد نمود. شرکت افراد بالای چهل سال در نیروی ذخیره، بسبب دیگر مسئولیتهای اجتماعی، اختیاری خواهد بود.

اصل نهم: هر جمهوری موظف به رعایت یک سری اصول کلی اجتماعی از جمله آموزش، بهداشت، راه و ترابری، عمران و آبادانی، محیط زیست و کنترل تراکم جمعیت نسبت به ظرفیت بهره دهی اراضی و منابع جمهوری خواهد بود. تدابیر منطقی برای تعیین صلاحیت متخصصین در خدمات حرفه ای، و رعایت استانداردهای تعیین شده در تولیدات برای مصارف عمومی، اتخاذ خواهد شد.

اصل دهم: ظرفیت بهره دهی و سهم جمعیت جمهوری ها را هیئتی مرکب از سه متخصص از هر جمهوری، تحت نظر شورای اتحادیه ایران

و گذر از بحران مزمن

تعیین و اعلام خواهد کرد. هیئت در اجرای این امر قادر خواهد بود از خدمات مشاورین مستقل در جمع آوری آمار دقیق از منابع طبیعی و انسانی استفاده کند.

اصل یازدهم: جمهوریهای جدید بیرون از سرزمینهای اتحادیه ایران، در صورت تصویب همه جمهوریهای اتحادیه، ممکن است به اتحادیه بپیوندند، ولی تشکیل جمهوری جدید در داخل محدوده جمهوریهای اتحادیه ایران، مقبول نخواهد بود.

اصل دوازدهم: کارخانجات و شرکتهای دولتی و شبه دولتی بصورت شرکتهای سهامی که سهامداران آن جمهوریها خواهد بود، به کار خود ادامه خواهند داد و اعضای هیئت مدیره آنها از طریق مجمعی مرکب از نمایندگان از جمهوریها برای مدت محدود، تعیین خواهد شد که جزئیات آن را قانون مشخص خواهد کرد.

نقدی به اوضاع ایران

اصل سیزدهم: در آمد ناشی از کارخانجات و منابع زیر زمینی جمهوریها، بعد از کسر هزینه های مربوطه، به نسبت ظرفیت بهره دهی و سهم جمعیت تعیین شده، بین جمهوریها توزیع خواهد شد. در توزیع در آمد از منابع زیر زمینی که معمولاً عمر محدود دارند، نیازهای ضروری هر جمهوری به دلیل کثرت جمعیت، مورد نظر خواهد بود تا از پیدایش فقر در یک جمهوری بموجب ثروت اندوزی در جمهوری دیگر جلوگیری شود. بدهی ها، و همچنین ذخایر ارزی موجود ایران، در ابتدای تشکیل جمهوریها نیز به همین نسبت بین جمهوریها توزیع خواهد شد.

اصل چهاردهم: کارهای ساختمانی پروژه های دولتی هر جمهوری، از طریق پیمانکاران خصوصی، با مجوز و درجه بندی شده، انجام خواهد شد، و هیچ نهاد دولتی مجاز به اجرای عملیات ساختمانی و رقابت با پیمانکاران خصوصی نخواهد بود؛ به جز اینکه کارهای مربوط به نگهداری جاده ها و خیابانها، تا آنجائیکه

و گذر از بحران مزمن

در حد کارهای فوری و کم حجم باشد، وسیله تیمهای نگهداری ادارات و سازمانهای مربوطه انجام خواهد گرفت.

اصل پانزدهم: تصویب پروژه های بزرگ، که تأثیر قابل ملاحظه ای به محیط زیست میگذارد، و هزینه قابل ملاحظه به جمهوری تحمیل میکند، بسته به وسعت پروژه، به رأی عموم، در سطح جمهوری و یا شهر و یا شهرستان، گذاشته خواهد شد. جزئیات را قانون مشخص خواهد نمود.

اصل شانزدهم: پروژه های بزرگ از قبیل احداث محله های جدید شهری، خیابان کشی، جاده سازی، سد سازی، کانال کشی، خطوط لوله، و پل سازی؛ بدون مطالعات فنی و توجیه اقتصادی و محیط زیستی، و بدون بحث و اظهار نظر مردم، مجاز نخواهد بود. جزئیات را قانون مشخص خواهد نمود.

اصل هفدهم: هیچ نوع ساخت و ساز در داخل شهر و یا سازه های زیربنائی آن، و یا هر کار

نقدی به اوضاع ایران

ساختمانی که با سلامتی، ایمنی، و محیط زیست سر و کار داشته باشد؛ بدون طرح و نقشه، و محاسبات و مشخصات فنی، که وسیله مهندسين مجرب و با جواز حرفه ای، تهیه شده باشد؛ مجاز نخواهد بود. تخلف مهندسين یا مدیران ادارات از اصول فنی و حقوقی لازم، پیامدهائی خواهد داشت که حدود آن را قانون مشخص خواهد کرد.

اصل هیجدهم: برای حفاظت از محیط زیست، کندن خاک در هر محل، به جز اراضی کشاورزی، به عمق بیش از پنجاه سانتیمتر و یا حجم بیش از پنجاه متر مکعب، بدون بررسی و تأیید مهندسی مجرب و دارای جواز حرفه ای از دولت جمهوری، اکیداً ممنوع خواهد بود.

اصل نوزدهم: ساخت هر مسکن جدید منوط به طراحی و تهیه نقشه و مشخصات فنی از طریق مهندسين و آرشیوتکت های مجرب و دارای جواز حرفه ای خواهد بود. محتویات نقشجات شامل ملاحظات محیط زیستی، ملاحظات هنری، عناصر

ابنیه با استانداردهای ذیربط، نحوه تأمین آب و برق، و نحوه دفع بهداشتی فاضلاب خواهد بود، که پس از بررسی و تأیید مهندسین و آرشیکت های مجرب دولتی قابل اجرا خواهد بود. نهادهای دولتی برای بررسی فنی چنین نقیجات مجاز به استفاده از خدمات مهندسین و آرشیکت ها در بخش خصوصی خواهند بود. جمهوری ها مکلف به اجرای یک طرح جامع مهندسی برای تأمین آب تصفیه شده، دفع بهداشتی فاضلاب؛ ارائه خدمات برق، تلفن، گاز، در تمام شهر ها و روستا ها خواهند بود؛ بطوریکه بعد از تکمیل و اجرای طرح زمان بندی شده، هیچ مکانی بدون یکی از خدمات عمومی فوق نخواهد بود، و در هیچ مکانی تخلیه فاضلاب بدون تصفیه، حتی به چاه مجاز نخواهد بود. در مکانهای منفرد و دور دست، نصب سیستم سپتیک، به ابعاد لازم، با طرحهای استاندارد، اجباری خواهد بود.

نقدی به اوضاع ایران

اصل بیستم: ظرفیت جاده ها نسبت به حجم ترافیک مشخص و گسترش لازم با برنامه زمان بندی شده به اجرا گذاشته خواهد شد.

اصل بیست و یکم: گسترش خطوط آهن به مراکز تولید و پرجمعیت، با برنامه زمان بندی شده به اجرا گذاشته خواهد شد.

اصل بیست و دوم: تأمین تأسیسات لازم برای استفاده از اینترنت پر سرعت و تلفن همراه، بدون محدودیت، در تمام شهرها و روستاها الزامی خواهد بود.

اصل بیست و سوم: مراکز درمانی مجهز در شهرها و مراکز روستائی ایجاد خواهد شد، بطوریکه دسترسی به یک درمانگاه با تجهیزات کامل متعارف، در مدت زمان معقول برای همه ممکن باشد.

اصل بیست و چهارم: تأسیس مهمانخانه ها با استاندارد بین المللی، و همچنین ایستگاههای سوخت گیری، وسیله بخش خصوصی، مورد

تشویق و حمایت دولت جمهور قرار خواهد گرفت. تأسیس پارکها در مناطق دیدنی، با تسهیلات لازم بسته به ظرفیت پارک و تخمین از رفت و آمد روزانه و یا فصلی گردشگران؛ با کارکنان لازم برای مدیریت و نظافت و امنیت پارک، جزء برنامه جمهوری ها خواهد بود. حداقل تسهیلات لازم در پارکها، آب و سرویس بهداشتی خواهد بود؛ و حد اکثر مدت اقامت ممتد در یک پارک، هفت روز خواهد بود.

اصل بیست و پنجم: اعتقاد و ستایش به هر دین و شعبات آن آزاد خواهد بود. لیکن دین بطور مطلق از دولت و سیاست جدا خواهد بود. استفاده از دین برای اهداف سیاسی، یک نوع دروغگوئی و سوء استفاده از اعتماد مردم و خیانت به دین است، که موجب انحراف و خسارت میگردد، و مجاز نخواهد بود.

اصل بیست و ششم: اراضی و املاک موقوفات، و مؤسسات خیریه در هر جمهوری، در اختیار

نقدی به اوضاع ایران

دولت آن جمهور قرار خواهد گرفت، و هرگونه در آمد ناشی از آن در یک حساب مخصوص امور خیریه ذخیره و سرمایه گذاری خواهد شد، و منافع آن به مصرف کمک به نیازمندان مستمند خواهد رسید.

اصل بیست و هفتم: هر جمهوری با تصویب مجلسین، مراکزی را که بنام دین ولی برای مقاصد سیاسی و با سوء استفاده از منابع مالی کشور ساخته شده است، برای استفاده امور خیریه ضبط خواهد کرد. معابد و مساجد هر شهر به تعداد متعارف و متناسب با جمعیت موجود، مورد استفاده مردم و پیشوایان دینی خواهد بود. در نقاطی که اعانه آزاد مردم کفاف هزینه نگهداری معابد و یا مساجد را نکند، هزینه نگهداری آن و باز سازی آن، از منبع درآمد موقوفات، بعهده دولت جمهور خواهد بود.

اصل بیست و هشتم: تشکیل مراکز آموزشی علمی مستلزم رعایت استانداردهای علمی خواهد

بود که چگونگی آن را قانون تعیین خواهد کرد. هر جمهوری مکلف به تشکیل و نگهداری مراکز علمی و آموزشی با استانداردهای بین المللی، و متناسب با جمعیت در مناطق مختلف، خواهد بود و بودجه آن را تأمین خواهد کرد. لزوم و یا عدم لزوم مدارس مخصوص دینی، و تأمین بودجه آن، با تشخیص مجلسین هر جمهوری خواهد بود.

اصل بیست و نهم: حرمت و حقوق هر انسان رعایت خواهد شد، تعرض به حقوق و جان و مال هر کسی ممنوع خواهد بود، و رعایت قانون وظیفه هر کس، و بدون مزاحمت دیگران خواهد بود.

اصل سیم: درستکاری هدف اصلی خواهد بود، و رشوه خواری و تزویر و ریا جایی در جامعه نخواهد داشت. بیان و قلم آزاد و مسئول خواهد بود.

اصل سی و یکم: رسیدگی به جرائم افراد حقیقی و حقوقی مربوط به انقلاب ایران و حوادث بعد از

نقدی به اوضاع ایران

آن، وسیلهٔ یک هیئت وکلا که در آن هر جمهوری یک وکیل معرفی خواهد کرد، بعلاوهٔ یک هیئت وکلا از یازده کشور مترقی جهان که از طریق شورای اتحادیهٔ ایران تعیین خواهد شد، صورت خواهد پذیرفت. خارج از این چهارچوب کسی حق تعرض به دیگری، به هیچ عنوان نخواهد داشت، و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت. لیکن عناصری که با حرکت ملل اتحادیهٔ ایران خصومت و مزاحمت کند، در هر جمهوری بدون نیاز به هیئت وکلا محاکمه شده و به جزای اعمال خود خواهد رسید.

اصل سی و دوم: هر جمهوری مکلف به متعادل کردن اقتصاد خود خواهد بود بطوریکه درآمد و مخارج مردم متناسب با تأمین زندگی انسانی با استاندارد مقبول، و پشتکار لازم باشد.

اصل سی و سوم: هر جمهوری برنامهٔ بیمهٔ درمان عمومی خواهد داشت بنحویکه کسی بدون پوشش بیمهٔ درمان نباشد. بعلاوه، هر جمهوری

مكلف به تأمین اجتماعی افراد بالای هفتاد و پنج سال خواهد بود. بدین معنی که اگر شخص دارای حقوق بازنشستگی یا منبع در آمد دیگری نباشد، بایستی حداقل حقوقی برای وی تعیین گردد که میزان آن را قانون مشخص خواهد کرد. همچنین، هر جمهوری مكلف به تأمین اجتماعی از کار افتادگان خود به ترتیب فوق خواهد بود. کسان بی سرپرست و یا کم در آمد از کمکهای اجتماعی برخوردار خواهند بود. مؤسسات بیمه بیکاری، به بیکاران، برای مدت محدود، مستمری خواهد پرداخت که جزئیات آن را قانون تعیین خواهد کرد.

اصل سی و چهارم: هر جمهوری، جامعه و منابع تولید را چنان مدیریت خواهد کرد، که تورم تحت کنترل، و کم کاری و بیکاری به حد اقل برسد.

اصل سی و پنجم: جمهوریهها با تمام کشورهای دنیا، بدون توجه به نژاد، دین و آئین، و نوع حکومت؛ در صلح و دوستی خواهد بود مگر اینکه حوادث آینده طوری دیگر ایجاب کند که

نقدی به اوضاع ایران

اتخاذ روش در آن صورت با شورای اتحادیه ایران خواهد بود.

اصل سی و ششم: هر جمهوری با رعایت یک سری سیاست کلی در اتحادیه ایران، که جزئیات آن در تفاهم نامه بین جمهوری ها مشخص خواهد شد، قادر به بازرگانی در سطح بین المللی خواهد بود.

اصل سی و هفتم: ملل جمهوری ها با در دست داشتن پاسپورت جمهوری متبوعه، بطور آزاد در جمهوری های اتحادیه ایران سفر خواهند نمود، و با کسب پروانه کار، قادر به اشتغال و اقامت خواهند بود.

اصل سی و هشتم: هر جمهوری پرچم مخصوص خود را خواهد داشت که در آن آرم مثلثات یازده گانه و خورشید بطوریکه در شکل (۲) نشان داده شده است، بطور خوانا در مرکز آن قرار خواهد گرفت.

اصل سی و نهم: شورای اتحادیه ایران در هر جمهوری یک ساختمان متحد الشكل با کارکنان دفتری و تجهیزات لازم، خواهد داشت، و تشکیل جلسات ماهیانه و فوق برنامه آنها بطور گردشی در این دفاتر صورت خواهد گرفت.

اصل چهلم: سفرای نمایندگی های اتحادیه ایران در کشورهای خارج بطور مساوی از طریق جمهوریها برای مدت پنج سال بطور گردشی منصوب خواهد شد، به نحوی که سفیر یک جمهور در یک کشور بعد از یک دوره پنجساله با سفیری از جمهور دیگر جایگزین خواهد شد. دیگر دیپلماتهای نمایندگی ها، بسته به نفرات لازم، چنان تعیین خواهد شد، که در مجموع سفارتخانه ها، هر جمهور بطور مساوی سهمی از حضور در سطح بین المللی داشته باشد. تأمین بودجه و هماهنگی کارهای نمایندگی ها از طریق شورای اتحادیه ایران خواهد بود. سفارتخانه ها در حکم نمایندگی

نقدی به اوضاع ایران

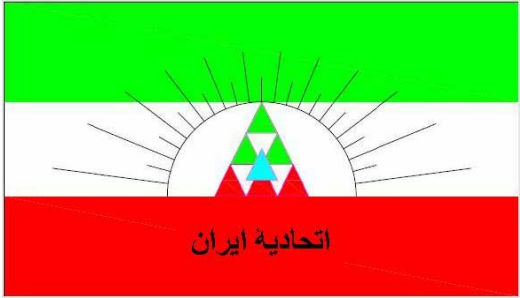
یک یک جمهوریهای اتحادیه ایران در سطح بین
المللی خواهند بود.

پرچم جدید

پرچم اتحادیه ایران^۷، بمنظور حفظ ارتباط خود با
تاریخش که در منابع یاد شده در مقدمه بیان
گردیده، میتواند مطابق شکل (۲) باشد: که نوار سه
رنگ آن، سبز (در بالا)، سفید (در وسط) و سرخ
(در پائین)، بعلاوه یازده مثلث متحد، به نشان یازده
جمهوری متحد، که مجموعاً به شکل مثلثی واحد
همانند کوه دماوند در آمده است، در وسط پرچم بر
روی نوار سفید قرار گرفته، و خورشید بر فراز
کوه اتحادیه ایران طلوع میکند.

^۷ آینه شفاء ایران، سرگذشت سه هزار ساله و راه آینده،
آلی داور، ۱۳۹۳ شمسی.

و گذر از بحران مزمن



شکل (۲): پرچم اتحادیه ایران

آلجی داور
تیر ماه ۱۳۹۸ شمسی
ژوئن ۲۰۱۹ میلادی

پایان

در باره مؤلف



آلجی داور، مهندس مشاور، در بخش خصوصی فعال است. او فارغ التحصیل دانشگاه تبریز در ایران، و دانشگاه کالیفرنیا در دیویس، آمریکا میباشد. تجارب کار حرفه ای او در ایران از

۱۳۴۹ شمسی شروع شد که ابتدا خدمت نظام وظیفه را با درجه افسری در استاتهای مرکزی، مازندران، و کردستان به پایان رساند. سپس در اجرای طرح مدرن کشت و صنعت مغان در نوار جنوبی رود ارس، با اهداف ملی در زمان خود، از مرحله شروع شرکت نمود که در آن وی نقش اجرائی مهم در عمران و آبادانی و نظم مدیریت در بخشهای مختلف اراضی وسیع به طول تقریبی شصت کیلومتر و عرض متوسط تقریبی ده کیلومتر با خاک بکر و عمیق و در جه یک، ایفا نمود. تجربه کار حرفه ای او در آمریکا نیز از ۱۳۶۲ شمسی شروع گردید که شامل مدیریت احداث ابنیه و تأسیسات زیر بنائی در بخش دولتی، و مهندسی و طراحی ساختمان در بخش خصوصی میباشد. وی علاوه بر تجربه کار مهندسی با صلاحیتهای علمی و حرفه ای، مطالعات تاریخی شخصی و مشاهدات عینی از عملکرد انواع حکومتها در عمده ممالک بلوکهای شرق و غرب دارد.

U. S. \$10.00

ISBN 978-0-9863914-2-2

5 1000 >



9 780986 391422